



نفوذی‌ها ظاهری مکتبی داشتند

غلامحسین کرباسچی، در گفت‌وگو با خبرنگاران در واکنش به اخبار پیرامون استعفای محمدرضا عارف به علت دوتابعیتی بودن فرزندش، گفت: «این‌ها جنگ‌های تبلیغاتی‌اند که مخالفان و موافقان دولت هر روز از این گونه سخنان مطرح می‌کنند؛ مسائلی که واقعاً نمی‌توان بر پایه آن‌ها تحلیل جدی ارائه داد. رسانه‌ها دست‌کم آن‌هایی که دلسوزی دارند نباید به این حواشی دامن بزنند؛ بلکه باید بیشتر تمرکز کنند بر اینکه دولت حواسش را جمع کند تا برنامه‌هایش را اجرا کند؛ به وعده‌هایی که به مردم داده عمل کند، گرفتاری‌های مردم را برطرف کند. این حرف‌های تبلیغاتی از قبیل اینکه یکی استعفا داده، دیگری نداده، یکی چنین است و دیگری چنان، تنها حواس مسئولان را پرت می‌کند و هم‌زمان ذهن مردم را مشوش می‌سازد.»

او ادامه داد: «در مورد آقای عارف یا هر فرد دیگری معتقدم که این قانون و آنچه به تصویب رسیده، در جهت خیر و صلاح کشور نیست. حال اگر کسی یا فرزندی زمانی خارج از کشور بوده، یا در شرایطی خاص زندگی کرده، اما خودش نیروی کارآمدی برای کشور است و می‌تواند گرهی از مشکلات مردم باز کند، چرا باید به این موارد گیر بدهیم که فرزندی آنجا به دنیا آمده یا دخترش آنجا ازدواج کرده است؛ این قوانینی که در مجلس تصویب می‌نشود، بیش از آنکه در خدمت کشور باشند، جنبه سیاسی دارد و تأثیر چندانی در سرنوشت مملکت ندارد. اگر بحث نفوذ یا جاسوسی باشد، این گونه افراد معمولاً منبع نگرانی نیستند. کسانی که بخواهند جاسوس تربیت کنند، معمولاً به دنبال نیروهایی با ظاهری کاملاً حزب‌اللهی هستند؛ کسانی که هیچ‌یک از افراد خانواده‌شان خارج از کشور نبوده‌اند و ظاهرشان کاملاً منطبق با معیارهای ظاهری رسمی است. همان‌طور که از ابتدای انقلاب تاکنون نیز همین بوده است. کسانی که حزب جمهوری اسلامی را منفجر کردند، آن‌هایی که نهاد نخست‌وزیری را منفجر کردند، و دیگر نفوذی‌ها در دستگاه‌های مختلف، همه افرادی بودند که ظاهری کاملاً مکتبی و حزب‌اللهی برای خود ساخته بودند. اینکه مثلاً آقای ظریف یا آقای عارف که شخصیت‌های شناخته‌شده‌ای هستند فرزندان‌شان در خارج به دنیا آمده یا مدتی آنجا زندگی کرده، این‌ها چیزی جز جنجال سیاسی نیست و اثر دیگری هم ندارد. حتی اگر چنین موضوعی صحت هم داشته باشد، رسیدگی به آن وظیفه دستگاه قضایی و دستگاه‌های نظارتی است، نه اینکه در مجلس جنجال به‌پا شود. روشن است که این‌ها دعوای سیاسی است.»

او به شرایط فعلی کشور اشاره کرد و گفت: «در چنین شرایط استثنایی پس از این همه تهاجم خارجی، جنگ، فشارهای اقتصادی و گرفتاری‌های مردم آیا باید دعوا کنیم بر سر اینکه فرزند فلانی خارج بوده یا داخل؟ هر کسی از بیرون نگاه کند می‌فهمد کسی که این حرف‌ها را مطرح می‌کند، واقعاً دغدغه مردم ندارد. آیا به نفع مردم است که ما درگیر چنین مسائل پوچ، واهی و بیهوده شویم؟ همه این‌ها دعوای سیاسی و رقابت برای قدرت است؛ اینکه «تو نباشی و من باشم» هیچ بخش‌اش نه به نفع مردم است و نه به نفع کشور.»

او همچنین گفت: «واقعاً آدم باید خجالت بکشد که نماینده مردم باشد و در چنین شرایطی که هر روز فشار اقتصادی بر کشور بیشتر می‌شود و هر لحظه جو تبلیغاتی علیه ایران تقویت می‌شود، بحث‌های جنجالی از این دست راه بیندازد؛ اینکه «ما کشف کردیم فرزند فلانی خارج بوده» و مانند آن. این مسائل کجای درد مردم را درمان می‌کند؟ بعد خودشان نگاه نمی‌کنند که در میان مجموعه‌های خودشان افراد زیادی هستند که فرزندان‌شان در خارج‌اند، در کشورهای مختلف اقامت دارند. بعضی از کسانی که در رأس این حرف‌ها هستند، خودشان زمانی شهروندی کشور دیگری را داشته‌اند. حالا می‌گویند ما پس دادیم یا ندادیم... اگر بنا باشد برخورد شود، که فقط با این چند موردی که سر آن غوغا به پا می‌کنند نیست؛ خیلی موارد دیگر هم هست. اصلاً مسئله کشور این چیزها نیست. کشوری که این همه گرفتاری سیاسی و اقتصادی در داخل و خارج دارد، مشکل اصلی‌اش این نیست که فرزند کسی در خارج زندگی می‌کند یا نه. آسیب واقعی نه از این افراد، بلکه از کسانی می‌رسد که ظاهر خود را کاملاً با شعارها و ادعاهای رسمی تطبیق داده‌اند و همین باعث می‌شود هیچ‌کس سراغ‌شان نرود. این‌ها آدرس غلط می‌دهند؛ دنبال مسائل بی‌اهمیت می‌روند تا مثلاً نفوذ یا جاسوسی کشف کنند، در حالی که این حرف‌ها بی‌اساس است و ربطی به واقعیت ندارد.»

نهاد علمی یا ویتترین قدرت؟

بررسی کارکرد اندیشکده‌ها در ایران به بهانه «صدور مجوز» اندیشکده حکومت و کشورداری شهید رئیسی»



منصوره محمدی
خبرنگار گروه سیاست

یک اندیشکده دیگر در ایران مجوز فعالیت خود را دریافت کرد. صدور مجوز برای یک اندیشکده تازه، بار دیگر این پرسش را زنده کرده که جایگاه واقعی این نهادها در ساختار سیاست‌گذاری ایران چیست و تا چه اندازه می‌توانند نقشی فراتر از نام و عنوان ایفا کنند، روند روبه‌افزایش اندیشکده‌ها در سال‌های اخیر، بیش از هر زمان دیگری ضرورت ارزیابی کارکرد و استقلال این نهادها را برجسته کرده است. «اندیشکده حکومت و کشورداری شهید رئیسی» که به تازگی مجوز آن صادر شده است، به‌درخواست «بنیاد بین‌المللی شهید رئیسی» و با موافقت کمیسیون نظارت و راهبری اندیشکده‌های استادان و دانشگاه‌های سراسر کشور شکل گرفته است. بنابر اطلاعاتی که هنگام انتشار دریافت مجوز این اندیشکده آمده است، هدف از این اقدام، ارائه راهکارهای علمی برای بهبود نظام حکمرانی بیان شده است. برگزاری نشست‌های تخصصی، میزگردهای کارشناسی و دوره‌های آموزشی با مشارکت اساتید دانشگاه، نخبگان و خبرنگاران اجرایی با هدف ارائه پیشنهادها و کارپردی برای حل مسائل مدیریتی کشور از اهداف اصلی تأسیس این نهاد بیان شده است. پیشنهاد تأسیس این اندیشکده در حالی از سوی «بنیاد بین‌المللی شهید رئیسی» به مدیریت محمدمهدی اسماعیلی، وزیر فرهنگ و ارشاد دولت ابراهیم رئیسی مطرح شد که از زمان تشکیل این بنیاد بین‌المللی نیز مدت زیادی نمی‌گذرد و هنوز خروجی و اقدامات این بنیاد هم مشخص نیست.

▼ اتهام‌زنی به منتقدان

سایت رجانیوز که منتسب به میثم نبلی، برادر داماد مرحوم رئیسی است، در گزارشی انتشار خبر تشکیل اندیشکده را حاوی بازخوردهای مثبت در بین افشار مختلف جامعه دانسته و منتقدان را با متهم کردن به بدنامی در میان افکار عمومی، به انتشار حمله

و اتهامات دروغین متهم کرده است: «این مجموعه بدون هیچ‌گونه بودجه خاص یا بهره‌مندی از امکانات عمومی تأسیس شده، اما جریان اصلاحات و همچنین افراد منتسب به جریان فکری مرحوم هاشمی‌رفسنجانی بدون هیچ‌گونه مستندی به تخریب پرداختند. در چرایی وحشت این طیف از ترویج و الگو معرفی کردن فردی که رهبر معظم انقلاب صراحتاً در تمجید از وی فرمودند «رئیس عزیز مصداق کامل خصوصیات یک مسئول حکومت الهی بود»، کافی است به سوابق و عاقبت عبرت‌آموز مرحوم هاشمی‌رفسنجانی به‌عنوان پدر معنوی آنان رجوع کرد.»

با این حال، پس از انتشار خبر تأسیس این اندیشکده، انتقادات متفاوتی نسبت به آن از سوی هر دو طیف اصولگرا و اصلاح‌طلب مطرح شد. مسیح مهاجری، مدیرمسئول روزنامه جمهوری اسلامی در سرمقاله‌ای در این باره نوشت: «درست مثل این ضرب‌المثل معروف که می‌گوید: «با حلوا حلوا گفتن دهان شیرین نمی‌شود» یا تعریف و تمجید عطار هم بوی خوش عطر به مشام کسی نمی‌رسد «عطر، آنست که خود بی‌بوی نه آنکه عطار بگوید. تأسیس اندیشکده برای این شخص و آن شخص حتی اگر از بودجه بیت‌المال هم نباشد، عطری به بازار نمی‌آورد که خریدار داشته باشد. می‌بینید که مردم از مکتب‌سازی‌ها و قدیس‌پروری‌ها با همه هزینه‌های غیرمجاز که از بیت‌المال می‌شود استقبال نمی‌کنند و چنین اقداماتی را پس می‌زنند. این حرف مردم را باید فہمید که با صدای بلند می‌گویند: عطر آنست که خود بی‌بوی نه آنکه عطار بگوید.»

▼ انبوه‌سازی بدون کارکرد

مرتضی افقه، عضو هیئت علمی دانشگاه شهید چمران اهواز نیز با انتقاد از تشکیل یک اندیشکده جدید و ایجاد بار اضافی با تأسیس چنین نهادهایی گفت: «مشکل کشور ما بزرگ بودن دولت نیست. ناکارآمد بودن دولت است. اخیراً یک پژوهشکده‌ای درست شده با عنوان «اندیشکده حکومت و کشورداری شهید رئیسی» اگر ما در شرایطی هستیم که باید ردیف‌های بودجه را کاهش داد، پس چرا یک اندیشکده یا موسسه جدید تأسیس می‌شود که باز هم نیاز به بودجه دارد؟»

یک فعال سیاسی اصولگرایانیز که تمایلی به ذکر نام خود نداشت، در گفت‌وگو با هم‌میهن با اشاره به رشد قارچ گونه اندیشکده‌های سیاسی در کشور، از نبود خروجی روشن از عملکردهای اندیشکده‌ها انتقاد کرد و گفت: «بهتر است کسانی که پیش از این اندیشکده‌هایی را راه‌اندازی کرده‌اند پاسخگوی عملکردهای خود باشند. اساساً اندیشکده باید توسط گروه‌ها و کسانی تأسیس شود که دانش و سواد این کار را نیز داشته باشند، در حالی که چنین سطح دانشی را در ایران نمی‌بینیم. او معتقد است تأسیس اندیشکده به پارامترهایی نیاز دارد و صرف وجود یک بودجه‌ای که مشخص نیست از منابع شخصی تأمین شده است یا خصوصی، دلیل قانع‌کننده‌ای برای ایجاد یک اندیشکده نیست.»

▼ تعدد اندیشکده‌های حکمرانی

اندیشکده‌های حکمرانی به عنوان حلقه واسط میان مراکز تفکر و پژوهش و نهاد سیاست‌گذار، بازوی مشورتی نهادهای دولتی و خصوصی با رویکرد تحقیقاتی و پژوهشی هستند. این نهادها با ارائه تحلیل‌های دقیق و جامع و با توجه به فرایندهای سیاست‌گذاری، گزارش‌هایی را ارائه خواهند داد که حاوی راه‌حل‌های عملی و کاربردی برای حل مشکلات است. تأسیس اندیشکده‌های مختلف در ایران به پیش از انقلاب باز می‌گردد. نخستین اندیشکده ایران با عنوان «مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور» در سال ۱۳۴۸ آغاز به کار کرد و تا سال ۱۳۹۰ تعداد اندیشکده‌های ایران به ۴۵ مورد رسید. اما از دهه ۹۰، تأسیس اندیشکده‌ها رشد فزاینده‌ای پیدا کرد. به گونه‌ای که ۲۱۵ اندیشکده از سال ۱۳۹۰ تاکنون راه‌اندازی شده است که با اضافه شدن اندیشکده جدید مرحوم رئیسی به ۲۱۶ مورد خواهد رسید. مرکز پژوهش‌های مجلس نیز در سال ۱۴۰۱ از راه‌اندازی ۳۱ اندیشکده قانون‌گذاری و حکمرانی در ۳۱ استان کشور خبر داد که هدف از آن جلب نظر اساتید استانی درباره طرح‌ها و لوایح که قیدفوریتی ندارند اظهار نظر کنند و از ظرفیت‌های محلی برای پاسخ‌دهی به نیازهای کارشناسی نمایندگان مجلس و مدیریت‌های محلی در قالب این اندیشکده‌ها استفاده کنند.



نگاه اصلاح طلب

حسین نقاشی فعال سیاسی اصلاح طلب:

اندیشکده‌های سیاسی در کشور خیر عمومی چندانی ندارند

تا در جاهایی که کارکردهای ناکارآمد بر یک سیاست و یک ساختار غالب می‌شود، این مجموعه‌ها با رصد و پایش این موارد تلاش می‌کنند به احزاب سیاسی، دانشگاه‌ها و یا به دولت هشدارهای لازم را بدهند. در وجه ایجابی نیز با تولید فکر و حتی پیشنهاد سیاست‌ها در حوزه‌های مختلف اعم از فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کمک‌کننده هستند. درخصوص تأسیس اندیشکده‌ها به نام شخصیت‌های سیاسی که اخیراً نیز مصداق آن به نام مرحوم رئیسی مجوز دریافت کرده است، مسئله این است که اولاً تأسیس چنین بنیادهایی با عناوین رؤسای جمهور و قوای حاکم بر کشور اگر بخواهد از بودجه عمومی کشور ارتزاق کند توجهی ندارد و در واقع هدررفت بیت‌المال است، چراکه ده‌ها مورد از این قبیل اندیشکده‌ها و یا شبه‌اندیشکده‌ها داریم که از بودجه‌های عمومی ارتزاق

و متعدد هستند. بدین ترتیب که برخی از این اندیشکده‌ها به صورت مستقل و غیروابسته به نهادهای دولتی و نهادهای عمومی کار می‌کنند و یا به دانشگاه‌ها، اعم از دانشگاه‌های دولتی و خصوصی وابسته هستند و یا کاملاً وابسته به یکی از موسسات دولتی و نهادهای عمومی هستند، یا اینکه از هر کدام از نهادها و ارگان‌هایی که به آن‌ها اشاره کردم مستقل هستند. این تنوع و تعدد در اندیشکده‌ها که در حوزه‌های مربوط به سیاست‌گذاری، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و... فکر و برنامه تولید می‌کنند وجود دارد. در میان این اندیشکده‌ها برخی در قالب شرکت‌های انتفاعی هستند و ذی‌نفع هستند، اما برخی ساختار نیمه‌دولتی دارند و یا برخی دولتی کامل هستند. در هر صورت آنچه که عنصر مشترک و مهم در این اندیشکده‌ها باید باشد، رصد سیاست‌ها، تحولات و ساختارها است

حسین نقاشی، فعال سیاسی اصلاح طلب معتقد است در حالی که اندیشکده‌ها در جهان، نقش مهمی در تحلیل و راهبری سیاست‌ها دارند، در ایران رشد فزاینده این نهادها بیش از آنکه به منافع عمومی خدمت کند، موقعیتی برای گروه‌های ذی‌نفع سیاسی و اقتصادی فراهم کرده و خروجی‌های آنها اغلب ناکارآمد و محدود به منافع جناحی است.

راه‌اندازی اندیشکده‌هایی با نام شخصیت‌های سیاسی مقدر با ماهیت اندیشکده‌ها همخوانی دارد؟ این دست اقدامات چه تبعاتی برای اعتبار سیاسی و علمی اندیشکده‌ها دارد؟

اندیشکده‌ها به میزان استقلال و وابستگی‌ای که به نهادهای دولتی دارند، متنوع